خبر

ساماندهی سد وشمگیر نیازمند حمایت دولت است

استاندار گلستان گفت: ساماندهی سد وشمگیر نیازمند حمایت دولت است زیرا لایروبی آن هزینه زیادی دارد. به گزارش مهر، سید مناف هاشمی در مراسم افتتاحیه یکی از کشتارگاه تمام اتوماتیک طیور گلستان اظهار کرد: اقدامات وزارت دفاع در گلستان جای تقدیر دارد و دشمنی امروز دنیا با ما به دلیل اقتدار کشورمان است. وی افزود: ما به دنبال ارتقا و افزایش توانمندی های خود هستیم و زمانی که خروجی ما توسعه پیدا کند توانمندی های ما هم افزایش پیدا خواهد کرد. استاندار گلستان گفت: برای توسعه مجموعه های اقتصادی در استان به وزارت دفاع اعلام آمادگی می کنیم و در بحث تولیدات وابسته به بذر، طیور و ... می توانیم زمینه گسترش را فراهم کنیم. هاشمی ادامه داد: اگر بخش خصوصی توانایی ایجاد واحد مشابه مزرعه نمونه را داشته باشد ما از این کار استقبال می کنیم و نه تنها به بخش خصوصی حسادتی نداریم بلکه فرش قرمز را هم برای آنها پهن می کنیم. وی با بیان اینکه نباید فرصت های بزرگ تجاری را از دست دهیم، گفت: دروازه ورودی استان ما کشورهای ترکمنستان و آسیای میانه است، پس باید توانمندی و ظرفیت خود را افزایش دهیم و بهتر است نیم نگاهی هم به صادرات داشته باشیم. استاندار گلستان گفت: عمر سد وشمگیر به سر آمده است و هر چه زودتر باید تکلیف این سد روشن شود زیرا در حال حاضر تنها بین ۱۰ تا ۱۵ درصد ظرفیت این سد مورد استفاده قرار می گیرد. هاشمی تصریح کرد: لایروبی این سد هزینه زیادی را می طلبد و ساماندهی آن نیازمند حمایت دولت است.وی از سفر اعضای کمیته اقتصادی مجلس به استان خبر داد و اظهار کرد: این سفر در راستای ظرفیت اقتصادی اینچه برون انجام می شود.

مجوز صادرات برای ۶ کشتارگاه گلستان صادر شد

رئیس سازمان دامپزشکی گفت: مجوز صادرات برای ۶ کشتارگاه گلستان صادر شد.به گزارش خبرنگار مهر، علیرضا رفیعی پور در حاشیه افتتاح یکی از کشتارگاه‌های طیور گلستان اظهار کرد: تمام کشتارگاه تمام اتوماتیک اتکا در کشور و گلستان طی سال‌های گذشته به سمت دریافت کد IR از سازمان دامپزشکی کشور حرکت کردند تا نام جمهوری اسلامی در لیست اروپا برای صادرات قرار بگیرد. وی افزود: الزام این موضوع داشتن کد IR برای کشتارگاههاست و تاکنون ۳۴ کشتارگاه در کشور توانستند کد IR را دریافت کنند و در لیست صادرات دنیا قرار گرفتند. رفیعی پور تصریح کرد: ۶ کشتارگاه دارای کد IR در استان گلستان فعالیت می‌کنند که می‌توانند در زمینه صادرات هم فعال باشند. وی ادامه داد: زمانی ما در بحث مرغ واردکننده بودیم اما الان صادر کننده هستیم و مرغ ما توسط کشورهای دیگر تنها از کشتارگاه‌های تمام اتوماتیک مان خریداری می‌شود.

ادامه یادداشت

دافعه جاذبه‌های گردشگری شهر گرگان

این ضعف تا جایی است که می‌بینیم در برخی از موارد مانند صفحه ۴، فونت کتاب تغییر می‌کند. و یا مانند صفحه ۳۱ اغلاط تایپی زیادی دیده می‌شود.

در مورد اشکالات محتوایی به دو مورد اشاره می‌کنیم:

۱- به نظر می‌رسد نویسنده با توجه به تابلویی که بر سر درب امامزاده نور نصب شده تصور کرده است که شخصیت مدفون در این مکان برادر تنی امام رضا است در حالی که این روایت راویان محله است و سند مکتوبی درباره صحت آن وجود ندارد. (ن. ک سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد، ص ۲۹۴)

۲- در صفحه ۴۹ کتاب گفته شده شهر گرگان در دوره قاجار به ۶ محله بزرگ تقسیم می‌شد در حالی که این گونه نیست و فقط به ۳ محله تقسیم می‌گردید. (سفرنامه ملگونف به سواحل دریای خزر، ص ۶۴)

اکنون با این همه نقاط ضعفی که در این کتاب وجود دارد باید پرسید که چرا شورای اسلامی شهر گرگان از این اثر حمایت می‌نماید متأسفانه چنان که شاهد بودیم این نهاد مردمی در سال گذشته به مناسبت روز کتاب و کتابخوانی از نویسنده آن تشکر کرد.

پژوهشگر

بیکاری فارغ التحصیلان در گلستان

نرخ بالای بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه و بررسی راهکارهای هدایت تحصیلی دانش آموزان برای ورود به بازار کار، مهم‌ترین مباحث عنوان شده در شورای آموزش و پرورش گلستان بود. به گزارش مهر، جلسه شورای آموزش و پرورش گلستان، با حضور اعضای این شورا در استانداری گلستان برگزار شد. در این جلسه، معاون آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان، ابراهیم حاجیلری اظهار کرد: در چهار سال دولت تدبیر و امید سعی شد تا شاخص های خود را تغییر دهیم، در دو سال پیاپی رتبه یک را در کشور به دست آوردیم. وی ادامه داد: پوشش تحصیلی استان با برنامه هایی که صورت گرفت، افزایش پیدا کرد و با پیگیری هایی صورت گرفته از ۲۰ هزار دانش آموزی که از تحصیل بازمانده بودند، تعداد زیادی به مدرسه ها برگشتند و جهشی در این شاخص به دست آمد. حاجیلری تأکید کرد: شرایط تحصیل اتباع بیگانه نیز علیرغم نداشتن مدارک فراهم شد و کودکان کار را نیز آموزش دادیم. معاون آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان اظهار کرد: در طی دو سال گذشته به دنبال تغییر دادن جهت گیری های آموزشی استان هستیم تا نقش اشتغال زایی مدارس را شاهد باشیم. حاجیلری تصریح کرد: اداره جهاد کشاورزی، اداره تعاون و سازمان فنی و حرفه ای با ما در این زمینه همراه شدند، برای مثال، سال گذشته برای پایه نهم و امسال نیز کل پایه متوسطه اول توسط فنی و حرفه ای مهارت اندوزی می کنند تا روحیه انجام کار در دانش آموزان ایجاد کنیم. وی افزود: برنامه ششم توسعه برای ما تکلیف کرده تا سال ۱۴۰۰، ۵۰ درصد از بچه ها در فضای هنرستان و کاردانش تحصیل کنند. حاجیلری گفت: میزان دانش آموزان هنرستانی، امسال، از ۳۸ به ۳۶ رسیده است و تعداد هنرجویان نیز ۱۳ هزار و ۶۰۷ نفر، تعداد هنرجویان تخصصی ۸۰۶ نفر و تعداد هنرستان های ما نیز ۱۱۵ است. وی تأکید کرد: باید این اعداد تغییر یابد و تعداد دانش آموزان هنرستانی به ۲۲ هزار و ۵۲۵ نفر برسد و رشد ۴۰ درصدی را شاهد باشیم. معاون آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش گلستان افزود: تعداد هنرآموزان تخصصی نیز به یک هزار و ۳۴۳ نفر و تعداد هنرستان ها نیز از ۱۱۵ به ۱۶۰ برسد. وی با بیان این که ۵۰۴ کلاس برای پوشش نیاز است، گفت: تعداد کلاس ها باید از ۷۸۵ به هزار و ۲۹۹ عدد برسد که باید بخشی از نیازها را با برون سپاری برآورده کنیم.وی در پایان سخنان خود بیان کرد: در سه بخش باید اقدامات لازم را داشته باشیم، پیش بینی و اقدام لازم در جهت ساختار هنرستان که این تعداد دانش آموزان جانمایی شوند، تربیت نیروی تخصصی و ایجاد تجهیزات و سرانه های خاص هنرستان ها تا بازسازی و احیاء این رشته را شاهد باشیم.

فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیشترین نرخ بیکاران گلستان

حسینقلی قوانلو، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان اظهار کرد: اطلاع از آخرین وضعیت بیکاران و شاغلین برای برنامه ریزی ها و فرهنگ سازی مفید است، بیشتر بیکاران به قشر تحصیل کرده بر می گردد و کمترین بیکاران دیپلم های ما هستند و برای فرهنگ سازی، آموزش و پرورش باید با انجمن و اولیا جلساتی برگزار کند تا به انتخاب رشته کمک شود.در ادامه جلسه، سعید مازندرانی، مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان اظهار کرد: کارگروه‌های مهارت می تواند در نیازهای آموزشی و مهارتی استان تأثیر گذار باشند و در ذیل آن ها تصمیمات خوبی گرفته شود.وی ادامه داد: بین سازمان فنی و حرفه ای و آموزش و پرورش قراردادی بسته که دانش آموزان دو دوره آموزشی رایگان را در راستای فعالیت های آموزش محور تجربه کنند. مازندرانی بیان کرد: باید به هدایت تحصیلی در استان توجه شود، تعداد بیکاران ما در سال های ۹۴ و ۹۵، ۷۰ هزار ۹۴۲ نفر است که بیشتر آن ها فارغ التحصیلان دانشگاهی هستند. مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی تصریح کرد: هدایت تحصیلی یک دوره ده ساله است، در آن ده سال جریان دینامیک بازار برای ما شناخته شده نیست و نیازمند کمیته علمی و پژوهشی است تا براساس آمایش سرزمینی پیگیری شود که چه باید کرد.

هتل آموزشی در استان ایجاد شود

ابراهیم کریمی، مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان، در ادامه اظهار کرد: در حوزه گردشگری، خروجی ها دانشگاه امکان ورود به بازار کار در این مراکز را ندارند زیرا آن ها به سمَت و جایگاه فکر می کنند. کریمی افزود: صنایع دستی و گردشگری در دبیرستان نداریم و استقبال در این زمینه زیاد است و می توان در این زمینه کارگاه راه اندازی شود. وی اذعان کرد: در هتلداری نیز باید زمینه ای فراهم شود تا بخشی از هتل های ما به عنوان هتل آموزشی در دستری آموزش و پرورش قرار گیرد. حسینی، مدیر کل فنی و حرفه ای استان گلستان هم در این نشست بیان کرد: دانش آموزانی که در سال ۹۵، در فنی و حرفه ای آموزش دیده اند ۸۲۵ نفر بوده و امسال تاکنون به حدود دو هزار نفر رسیده است.وی با بیان این که شعار ما هر دانش آموز یک مهارت است، خاطرنشان کرد: دانش آموزان از امکانات ما رایگان استفاده می کنند تا دانش آموزان به سمت اشتغال حرکت کنند.

هفت هزار فارغ التحصیل کشاورزی در گلستان وجود دارد

مختار مهاجر، رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان نیز اظهار کرد: در استان ۲۱۴ هزار بهره ور داریم که ۷۵ درصد آن ها بی سواد هستند و ۱۰ درصد الی ۱۵ درصد آن ها مدرک دیپلم دارند.وی با بیان این که در استان کمبود آب وجود دارد، تصریح کرد: برای برطرف کردن نیازهای استان و رشد گلخانه و مکانیزه کردن باید پرورش دانش آموزان در این سمت بیشتر شود.مهاجر گفت: هفت‌هزار فارغ‌التحصیل رشته کشاورزی در استان وجود دارد که از پنج درصد ظرفیت آن ها استفاده می شود.

نقش آموزش و پرورش در اقتصاد مقاومتی مشخص شود

در ادامه نشست، حسین پیش قدم، مدیر کل مدیریت و برنامه ریزی استان گلستان با بیان این که باید برای توسعه از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کرد، اظهار کرد: باید آموزش و پرورش گزارشی ارائه دهد که تا چه اندازه توانسته از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند و چه اندازه برون سپاری صورت گرفته است.وی گفت: برای رشد استان باید به سمت مدارس غیردولتی حرکت کرد، هرچند که تلاش شده تا دغدغه ها از بین برود امّا با این ظرفیتی که در استان وجود دارد نمی توانیم حداکثرها را در استان به وجود بیاوریم.

تراکنش‌های بانکی فعالان اقتصادی گلستان رصد می‌شود

مدیرکل امور مالیاتی گلستان گفت: تراکنش‌های بانکی فعالان اقتصادی در گلستان توسط اداره کل امور مالیاتی استان رصد می‌شود. به گزارش مهر، علی اصغر هزارجریبی اظهار کرد: سازمان امور مالیاتی برای شفاف سازی اقتصادی و جلوگیری از فرار مالیاتی نیازمند اطلاعات بیشتری است و این اختیار را داریم تا از طریق تراکنش‌های بانکی به درآمدهای واقعی افراد برسیم. وی افزود: اداره کل امور مالیاتی با تشکیل کارگروه ویژه برای رسیدگی پرونده‌های مربوط به بررسی تراکنش‌های بانکی اقدام کرده است. هزارجریبی تصریح کرد: از تمامی فعالان اقتصادی استان تقاضا داریم در ارائه تسلیم اظهارنامه مالیاتی بر اساس قانون عمل کنند زیرا در غیر این صورت ما باید بر اساس قانون عمل کنیم. وی ادامه داد: در ارائه تسلیم اظهارنامه مالیاتی در گلستان ۱۰۳ درصد رشد داشتیم که ۴۰ درصد این افراد به صورت خود اظهاری بوده است. مدیرکل امور مالیاتی گلستان با اشاره به رصد تراکنش‌های بانکی فعالان اقتصادی در استان گفت: بر اساس آخرین آمار ۱۷۰ هزار پرونده فعال اقتصادی در استان داریم و اداره کل امور مالیاتی فقط یک درصد از تراکنش‌های بانکی این افراد را اخذ کرده است. هزارجریبی افزود: بر اساس برنامه پنجم صاحبان مشاغل باید از صندوق مکانیزه فروش استفاده کنند و سازمان امور مالیاتی ۲۹ شغل را مشخص کرده که باید تا پایان دی ماه برای تهیه و استفاده از صندوق مکانیزه فروش اقدام کنند. وی بیان کرد: در صورتی که صاحبان مشاغل برای تهیه و استفاده صندوق مکانیزه فروش اقدام نکنند شامل دو درصد جریمه خواهند شد.

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی گرگان در نظر دارد

امور خدماتی واحد دانشگاهی را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان ظرف مدت ۱۰ روز پس از درج آگهی فرصت دارند به امور اداری دانشگاه آزاد اسلامی گرگان مراجعه و یا با تلفن ۰۱۷۳۲۱۳۲۲۹۰ تماس حاصل نمایند. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادها مختار بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی گرگان

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول

بدین وسیله از سهامداران محترم شرکت تعاونی داروسازان حکیم جرجانی استان گلستان دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی سالیانه راس ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۹۶/۸/۲۶ در محل سالن اجتماعات شرکت واقع در گرگان بلوار جرجان خیابان سجادیه پلاک ۳۷ برگزار می گردد شخصا یا توسط نماینده قانونی خود حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

۱ ـ گزارش هیات مدیره و بازرس شرکت
۲ ـ بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال ۱۳۹۵
۳ ـ انتخاب بازرس اصلی و علی البدل
۴ ـ تعیین روزنامه رسمی کثیرالانتشار
۵ ـ اخذ تصمیم نسبت به افزایش سرمایه و جذب سهامداران جدید
۶ ـ سایر مواردیکه قوانین و مقررات بر عهده مجمع عمومی عادی قرار داده

هیات مدیره شرکت تعاونی داروسازان حکیم جرجانی گلستان

آگهی‌های ثبتی

آگهی ابلاغ اجرائیه

احتراما بدینوسیله به شرکت سبز کاغذ گلستان با امضا رباب پور شکری نامور(مدیرعامل) و حمیدرضا درمانی مطلق(رییس هیات مدیره) به شناسه ملی ۱۰۷۰۰۱۲۹۷۴۴ به نشانی گرگان ـ خیابان شهید بهشتی جنب پل قزاق محله پلاک ۳۲۰ نمایندگی mvm ابلاغ می گردد که بانک کشاورزی شعبه گرگان به استناد قرارداد بانکی ۶۰۱۰۶۳۵۵۲۶ با موضوع لازم الاجرا ۱/۰۷۸/۷۸۹/۵۳۴ ریال بانضمام خسارت متعلقه بر علیه شما و آقای حمیدرضا درمانی مطلق فرزند حشمت اله و حشمت اله درمانی مطلق فرزند عزت اله که به علت عدم پرداخت بدهی مبادرت به صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه ۹۶۰۰۳۷۱ در این اجرا تشکیل با توجه به گزارش مامور در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید لذا با توجه به درخواست بستانکار و طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی به شما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل و یا نزدیک محل درج و منتشر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

حسن اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۸۹۰ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی دارای پلاک ثبتی شماره ۲۳۲ فرعی از ۳ ـ اصلی واقع در اراضی کسلخه بخش ۷ ـ ثبت آق قلا به مساحت ۲۷۱٫۸۴ مترمربع ملکی آقای عبدالقدیر قره داشلی فرزند عبدالحکیم باستناد تبصره ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در ساعت ۱۲:۳۰ ظهر روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۲ در محل وقوع ملک واقع در اراضی کسلخه ـ خیابان شهید آزادی ـ محله آق لر ـ نبش کوچه ارکین ۱۶ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاورین نسبت به تحدید حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا (۳۰) سی روز اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک ثبتی به اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

مهدی شاه مهری ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا ـ ۸۹۰ م الف

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷
پرونده شماره: ۹۳۰۱۰۳۰

بدینوسیله به آقای غلامرضا بابایی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۱۵۳ و ش ملی ۰۵۵۸۸۸۸۷۸۱ ساکن گرگان ـ خیابان سرخواجه مغازه اعلام می گردد در خصوص پرونده اجرائی به کلاسه ۹۳۰۱۰۳۰ له بانک کشاورزی علیه شما و شرکت پرورش دهندگان ماهی قزل پرور رنگین کمان و غیره، پلاک فرعی: ۱۹۶۳ از پلاک اصلی ۲۶۸ در بخش: ۳ ناحیه: ۰ واقع در: گرگان متعلق به شما در قبال طلب بانک کشاورزی بازداشت گردیده لذا طبق ماده ۸۷ آیین نامه اجرای مراتب بشما اخطار می شود ضمنا هرگونه نقل انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمی شود. در ضمن این آگهی در یک نوبت در روزنامه کثیر الانتشار محل یا نزدیکترین به محل چاپ و منتشر گردیده است.

حسن اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۸۹۱ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

رضا پیاده کوهسار وکالتا از طرف وراث مرحوم نورگلدی سعدی با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده ادعا نموده که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۱۷ مترمربع به شماره پلاک ۲۱۳/۴۹ ـ اصلی واقع در بخش ۹ ثبت کلاله ذیل ثبت ۱۴۴۸۳ صفحه ۴۳۰ دفتر جلد ۵۸ ثبت و صادر گردیده است حالیه سند مالکیت در حین جابجایی مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است از این رو باستناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد، ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ آگهی، اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نمایند در غیر این صورت پس از انقضای مهلت مذکور برابر مقررات، نسبت به صدور مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

هوشنگ مشانی ـ رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان کلاله ـ ۸۴۴۱ م الف

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

کشف ۲۲ هزار قلم داروی قاچاق در گلستان

رییس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی گلستان از کشف یک محموله به تعداد ۲۲ هزار و ۲۵۴ قلم داروی قاچاق در استان خبر داد. به گزارش ایرنا از انتظامی استان سرهنگ مجتبی مروتی گفت: ماموران اداره مبارزه با قاچاق کالا پلیس آگاهی در راستای برخورد با عناصر تهیه و توزیع قاچاق دارو موفق به شناسایی دو نفر از عوامل تهیه و توزیع داروی قاچاق شدند. وی اظهار کرد: این میزان داروی قاچاق در بازرسی از یک واحد صنفی کشف و ضبط شد. به گفته وی؛ در همین راستا پرونده تشکیل و متهمان برای انجام مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شدند.

رد صلاحیت شهردار منتخب گرگان صحت ندارد

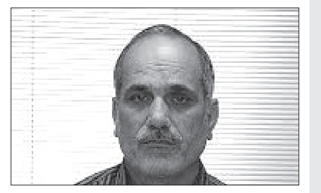

سخنگوی شورای اسلامی شهر گرگان گفت: تاکنون هیچ نامه ای در خصوص رد صلاحیت شهردار گرگان به ما اعلام نشده است. به گزارش مهر، حسین ربیعی در خصوص رد صلاحیت شهردار منتخب گرگان و کردکوی که در فضای مجازی اعلام شده، اظهار کرد: تا این لحظه هیچ نامه رسمی مبنی بر رد یا تأیید صلاحیت شهردار منتخب گرگان به ما اعلام نشده است.گفتنی است، در تاریخ ۲۲ مهر، اعضای شورای شهر گرگان بعد از جلسات متعدد، «سید محمدعلی ثابت قدم» را به عنوان شهردار گرگان انتخاب کردند. وزارت کشور می بایست ظرف ۱۰ روز راجع به شهردار منتخب تصمیم بگیرد که تاکنون این امر صورت نگرفته است و شهرداری گرگان با سرپرست اداره می شود.

لایحه اینچه برون تصویب می شود

رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: لایحه منطقه آزاد تجاری اینچه برون ظرف ۲ تا ۳ هفته آینده در دستور کار این کمیسیون قرار می گیرد و مشکل خاصی برای تصویب نخواهد داشت. محمد رضا پور ابراهیمی داورانی در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: کلیات لایحه ارسالی دولت برای تصویب منطقه آزاد اینچه برون در کمیسیون اقتصادی مجلس تصویب شده است. وی همچنین اضافه کرد: ۱۰ روز قبل هم لایحه با اصلاح نقشه به این کمیسیون ارسال شده است و تصویب آن مشکلی ندارد.

نیروهای کمکی آتش نشانی گرگان به بهشهر اعزام شدند

نیروهای آتش نشانی گرگان به منظور کمک به مهار آتش سوزی کارخانه نساجی بهشهر به محل حادثه اعزام شدند. به گزارش مهر، در پی آتش سوزی گسترده در کارخانه نساجی اکریلتاب بهشهرمازندران نیروهای کمکی از سازمان آتش نشانی گرگان به محل حادثه اعزام شدند. مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی گرگان در این رابطه اظهار کرد: با گزارش آتش‌سوزی گسترده کارخانه نساجی در شهرستان بهشهر یک خودرو سنگین آتش‌نشانی به همراه سه نیرو به این شهرستان اعزام شدند. مهدی قره قاشی افزود: نیروهای ما با عزمی جزم برای کمک رسانی در هر حادثه همیشه آماده هستند. سخنگوی مرکز فوریت های پزشکی مازندران هم با بیان اینکه این حادثه یک مصدوم داشت، افزود: این مصدوم از عوامل آتش نشانی بوده که توسط تیم اورژانس مستقر در محل حادثه به بیمارستان امام خمینی (ره) بهشهر منتقل شد.

ترجمه در غیاب تخصص؛ نزاع با مدعیان ترجمه

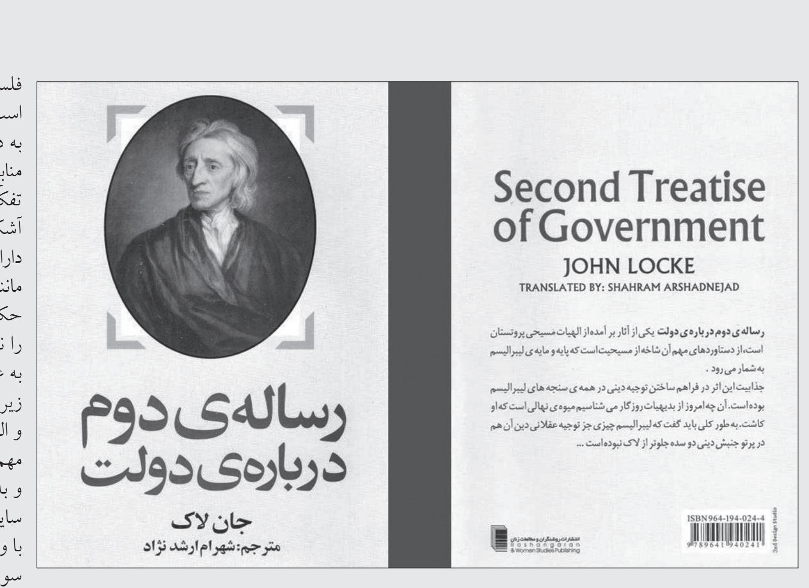
رساله‌ی دوم
درباره‌ی دولت
جان لاک
مترجم: شهرام ارشد نژاد
Second Treatise of Government
JOHN LOCKE
TRANSLATED BY: SHAHRAM ARSHADNEJAD

پیمان حریقی-ماهها پیش در یکی از فضاهای مجازی فعال در حوزه ترجمه با دوست عزیزی که با آقای شهرام ارشدنژاد – یکی از چهار مترجم رساله دوم جان لاک – رابطه دوستانهای داشتند گفتگویی در مورد ترجمه ی دو اصطلاح State و Government داشتم. بحث ما از این دو اصطلاح خارج و به موارد دیگر نیز منتهی و هفتهها به درازا کشیده شد .

لازم به ذکر است این مترجم رساله دوم جان لاک را با عنوان لاتین "Second treatise of Government" برخلاف مترجمین پیشین به فارسی «رساله دوم جان لاک درباره دولت» ترجمه کرده بود ؛ پیشتر این اثر توسط محمود صناعی (نه فصل از نوزده فصل و ذیل کتاب آزادی فرد و قدرت دولت) و حمید عضدانلو هر دو تحت عنوان « رساله دوم درباره حکومت » ترجمه شده بود.

دکتر جواد طباطبایی سالها پیش مقاله در نقد ترجمه های رساله دوم جان لاک به نام «نعش بی جان جان لاک در دست غسالان» نوشته بود در آنجا اشارهای کوتاه بر این مترجم نیز آمده بود که او در پاسخ به دکتر طباطبایی مطلبی را در فرهنگ امروز منتشر نمود و این نوشتار پاسخی ست به آن

در باب اصطلاح The State of Nature

وی نوشته بود : « طباطبایی ، بر فصل دوم کتابِ لاک (منظور وی رساله دوم لاک است) ، معتقد است من باید مینوشتم «وضع طبیعی» نه «دربارهی حاکمیت طبیعت» من این اسم مرکب را میتوانستم «دربارهی وضع حاکمیت طبیعت» هم بنویسم ... نزاع بر سر این اصطلاح کلیدی است که چه ترکیب فارسی مناسبی برای آن بسازیم. کلمه ای که لاک در این ترکیب به کار برده (Nature) در واقع اسم است؛ نه صفت. درنتیجه آن را به فارسی می باید (طبیعت) نوشت . (طبیعی) نباید نوشت. و هنگامی که ما می نویسیم طبیعت ، یک سیستم یا چهارچوب و یا یک ساختار با قوانین و شرایط خاص خود در ذهن مان متبادر می شود. منظور لاک کاملا روشن است که او دارد درباره یَ حاکمیت قوانینِ طبیعت بر زندگی انسانَ ها سخن می گوید نه (وضع طبیعی) که این آقایان از جملهَ صناعی نوشته اند. به همین دلیل من بر فصلِ دومِ کتاب نوشته ام (دربارهی حاکمیتِ طبیعت) ... و بار معنایی آن ترکیب بر (طبیعتَ) اَستوار است نه بر (وضعیت) » اگر از این موضوع بگذریم که وی در واپسین جمله یعنی « وزن و بار معنایی آن ترکیب بر (طبیعت) استوار است نه بر (وضعیت) » احتمالا در پرانتز دوم قصد آن داشته که (طبیعی) بنویسد ، در غیراینصورت جمله بی معنا و مفهوم است.

اما تا آنجا که وی nature را به عنوان یک اسم و natural را (بخصوص با داشتن پسوند al) به عنوان یک صفت متمایز دیده و اینکه اصولا صفت باید صفت ، و اسم باید اسم ترجمه شود ، قابل تقدیر است ، در حالی که خود در ترجمه nature right در بند ۶۵ از فصل ششم رساله دوم آنجا که آمده است :

This power so little belongs to the father by any peculiar right of nature, but only as he is guardian of his children

از « ذاتا و به صورت طبیعی» استفاده کرده است و آورده است : «این قدرت ذاتا و به صورت طبیعی به پدر تعلق نمیگیرد بلکه این قدرت تنها وقتی به وی تعلق میگیرد که او پرستار و نگهبان فرزندانش باشد» در اینجا باید با تامل خاص به ترجمه ی محمود صناعی – کسی که چندین دهه پیشتر همین جملات را ترجمه کرده بود – نگریست و از این همه تشابه و «از کرامات شیخ ما» بایست انگشت حیرت بر دهان گزید ، صناعی آورده بود : « این قدرت ذاتا و فطرتا به پدر تعلق نمیگیرد تنها وقتی به وی تعلق میگیرد که او پرستار و نگهبان فرزندانش باشد» این گونه شباهتها بسیار زیادند و بیان آن منجر به اطاله کلام میشود همین بس که گاهی حتی در علائم نگارشی هم دیده میشود در بند ۷۴ آمده است:«پایان کلام اینکه : سلطه پدر بر فرزند فقط در دوره خردسالی اوست و بیشتر شامل تربیت و اداره فرزند میشود» و کوچترین تفاوتی با آنچه محمود صناعی آورده بود ندارد ، اما عضدانلو آورده است : «بنابر این سلطه و قدرت فرمانروایی پدر فراتر از تربیت و اداره فرزند در دوران خردسالی نیست»

وی در چندین جای دیگری هم nature را «طبیعی» آورده است به عنوان نمونه در بند ۷۳ در قبال «every man›s children being by nature as free as himself, or any of his ancestors» آورده است : « فرزندان هر مردی به صورت طبیعی به مانند خود او و به مانند پدران او ، آزادند» در اینجا بد نیست به این نکته هم اشاره کنیم که آوردن دو بار پیاپی یک واژه – در اینجا واژه «به مانند» – نه تنها نشانه تاکید نیست بلکه نادرست و اصطلاحا حشو است که در این اثر این مترجم به وفور دیده میشود ، نمونه دیگری از آن بابت ذکر میشود که ضمن نشان دادن بی اعتباری این ترجمه ، حد والای ترجمه محمود صناعی دیده شود.در ابتدای بند ۴ فصل دوم این رساله آمده است : « To understand political power right» این مترجم نوشته است :«برای شناخت درست قدرت سیاسی » و از او بدتر عضدانلو هست که right را معادل حق درنظر گرفته و آورده :«برای درک حق قدرت سیاسی» اگر هر دو مترجم «درک درست» میآوردند درست بود اما «شناخت درست» هم نادرست است به دلیل آنکه «شناخت» همچون «المعرفه» در عربی در باطن خود درست بودن را داراست و آوردن «درست» ، تکرار پنهان است و حشو معنایی ست ، بدین سبب اصولیترین و درستترین ترجمه را محمود صناعی انجام داده و آورده است : « شناخت قدرت سیاسی» .

اما ضمن اشاره به این موضوع که state در The State of Nature ارتباطی به دولت – یا به قول ایشان حکومت یا حاکمیت– ندارد و بالعکس nature state وضعیت پیش از تشکیل یک دولت است ، به معنای «وضع» یا «وضعیت» و «حالت» و مترادف condition است و بذلهگویی است که او مینویسد « من این اسم مرکب را میتوانستم « درباره ی وضع حاکمیت طبیعت » هم بنویسم» یعنی وی میداند که state به معنی «وضع » هم هست اما نمیدانیم که چرا state را دو بار با دو معنای مختلف (وضع و حاکمیت) و در کنار یکدیگر ترجمه میکند ، البته او در اینجا نوشته است که میتواند «درباره ی وضع حاکمیت طبیعت » هم بنویسد ، گویی که ننوشته در حالی که در ترجمه بند ۹۷ آورده است : «او همچنان در وضع حاکمیت طبیعی باقی خواهد ماند» .

اما دو نکته دیگر در باب Natural State حائز اهمیت است نکته اول – که البته بر ما به عنوان فارسی زبان و با فاصله چند قرن از کسانی مانند جان لاک و غیره پوشیده است و کمتر قابل بحث – اینکه گاهی نویسندگان و مولفین برای رفع ابهام ، واژه گان را با یکدیگر جایگزین میکنند به عنوان مثال اگر در The State of Nature از natural استفاده میشد ممکن بود برای خوانندگان همان زبان ابهام ایجاد شود و با اصطلاحات علوم طبیعی خلط صورت میگرفت.

و نکته دوم که برای ما به عنوان مترجم یا خواننده یک اثر ترجمه شده اهمیت بیشتری دارد اینکه ، گاهی مترجمین تلاش میکنند برای آنکه مفهوم بهتر به خواننده منتقل شود ، خود اصطلاحی را ابداع کنند ، که به اصطلاح nounce making (با noun اشتباه نشود) گویند ، اصطلاح یا واژه ابداع شده – چنانچه صحیح و درست باشد – در میان اساتید فن (اغلب به صورت ناخودآگاه) مطرح میشود و به مرور زمان با آزمون و خطا تعمیم مییابد که به اصطلاح Generalization صورت میگیرد و در نهایت آن اصطلاح یا واژه در میان آحاد مردم نهادینه یا institutionalization میگردد.

نمیدانم نخستین بار چه زمانی و توسط کدام یک از اساتید و مترجمین بود که nature state را به « وضع طبیعی» ترجمه کردند که در زبان فارسی واژه «طبیعی» در نهاد و ذات خود مفهوم «اولیه» یا «ابتدایی» را دارد ، که اگر از واژه «طبیعت» استفاده میشد دیگر آن مفاهیم «اولیه و ابتدایی» را با خود به همراه نمی¬داشت ، نهایتا برای آنکه ابهامی با طبیعت و علوم طبیعی ایجاد نشود شاهکاری بود برآمده از ذهنی خلاق.

در باب ترجمه State و Government

اسفناک است برای یک خواننده فارسی زبان که بداند مترجم یک اثر سیاسی ، تفاوت این دو واژه مهم سیاسی و ترجمه های آنان را نمیداند و اقرار میکند نه معنای این دو واژه و نه علت تفکیک و نه علیت !! تفکیک این دو واژه برایش روشن نیست و یا به اراده ی خویش مایل به خلط آن دو است

او مینویسد: «می پرسم فرق دولت و حکومت در چیست؟ دولت را طباطبایی و دیگران در مقابل واژه ی state به کار می برند. من نمی دانم اصرار این آقایان بر سر این تفکیک در زبان «فارسی» چیست ؟

و سپس ادامه میدهد : « آقایان و خانم های فیلسوف سیاسی ایرانی بفرمایند این تفکیک دولت از حکومت چراست؟ البته من خودم در پی پاسخ به این پرسش گشتم. به کتاب بسیار سودمند دکترحسین بشیریه ، آموزش دانش سیاسی مراجعه کردم. ... او نیز قایل به این تفکیک است ... این تفکیک انتزاعی و عینی بودن دولت و حکومت را به یکدیگر بر من روشن نیست، نه معنایش، نه علتش و نه علیتش (به خصوص در زبان فارسی که به طور طبیعی و ذاتی حوزهی معنایی واژگانش در یکدیگر تداخل میکنند) متأسفانه بشیریه معادل انگلیسی این واژگان را در زیرنویس ننوشته تا بدانم او درباره ی چه چه می گوید. آیا این تفکیک مخصوص متفکران ایرانی است یا فرنگیان نیز قایل به این تفکیک هستند؟ در این صورت سندَش و ارجاعاتش و منابعش کو؟ »این درحالیست که او به تفکیک دولت و حکومت از سوی بسیاری از اساتید حوزه فلسفه و سیاست پی برده است ، اما فرنگ نشین ما به دنبال سند و ارجاع و منابع فرنگی است .در باب تفکیک دولت و حکومت آشکار است که یک دولت دارای عناصر مختلفی مانند مردم ، سرزمین و حکومت (برخی حاکمیت را نیز افزوده اند) است به عبارت بهتر حکومت زیرمجموعه دولت است و البته او خود نیز به این مهم اشاره داشته است و به واسطه یکی از وب سایتهای انگلیسی زبان – با وجود آنکه به دنبال این سوال است که آیا فرنگیان نیز قایل به این تفکیک هستند یا نه ، و حیران به دنبال سند و ارجاع و منابع است – نه ۹ تعریف برای Government و State ارائه داده است در بند اول آمده است که Government بخشی از State است و در بند نهم آورده است Government موقتی است ولی State همیشگی است ، شگفتا که در چند سطر پایین تر خود نتیجه گیری میکند که دولت میتواند تغیرکند یعنی دولت را برابر Government در نظر گرفته است او از آنجا به این نتیجه رسیده است که تصور میکند قوه مجریه برابر با دولت است تمام منبع مورد وثوقش در گفتار محاوره ای و عوامانه و یا حداکثر در رسانه های خبری فارسی زبان است ، در حالی که قوه مجریه به خلاف عوام ، در میان اهل فن برابر حکومت است و در بند ۲ نیز اشاره میکند Government عامل اجرایی state است به عبارت بهتر آنان که ریاست دوره ای قوه اجرایی کشور را به عهده میگیرند اگرچه در محاورات «دولت» نامیده میشوند اما در علم سیاست ریاست «حکومت» را به عهده دارند .

همانگونه که در سطور بالا گفته شد «حکومت» زیرمجموعه «دولت» قرار می‌گیرد، حکومت خود دارای ارکان مختلفی است که «هیات دولت» یکی از آنان است. اشتباه و خلط این دو مفهوم دولت و حکومت ، از اینجایی ناشی می گردد که در برخی رسانهها و یا در میان عموم، «هیات دولت» مترادف با «قوه مجریه» را به اختصار «دولت» می‌گویند.

به واقع باید گفت ترجمه در غیاب تخصص است که کار ما را به نگارش این سطور کشانیده است .

وی تعاریفی از دولت و حکومت میآورد هرچند از منابع مهم و معتبری استفاده نکرده است و بیشتر به دامان آجودانی چنگ زده است (شگفت آور است استاد مدعی ترجمه از ویکی پدیا –وب سایتی که از اعتبار مهم و جدی در میان اهل قلم بی بهره است و توسط همه کاربران قابل ویرایش است – به عنوان منبع مورد وثوق¬اش بهره برده است) وحتی نتوانسته یا نمیدانسته است که میتواند به ماخذ مهمتر و جدیتری مانند دایره المعارفهای اصطلاحات سیاسی منتشره از سوی دانشگاههای غربی یا انجمنهای تخصصی مراجعه نماید ، به عنوان نمونه میتوانست ، به دایره المعارف منتشره از سوی دانشگاه آکسفورد با عنوان "Oxford Concise Dictionary of Politics" که از طریق سایت اینترنتی مربوطه – آکسفورد – قابل دسترسی است و در ذیل دو اصطلاح مورد مناقشه اطلاعات مفیدی در اختیار خواننده قرار میدهد ، عنایتی میداشت (این مرجع از این بابت ذکرشد که ضمن موقتیت ، مدعیان ترجمه به دنبال منابع فرنگی بیش از این سرگشته نشوند).

با توجه به این امر که تعریف هر نظریهپرداز سیاسی از اصطلاحات سیاسی با دیگری – کم یا زیاد – اختلافاتی دارد – که این ویژگی علوم انسانی برخلاف علوم دقیقه است که دانشمندان با پدیده ها و متغیرهای کمّی سروکار دارند و درنتیجه ، امور ثابت هستند – این سطور جایی برای تشریح و تفکیک بیشتر دولت و حکومت نیست و به استثنای مدعیان ، تفاوت این دو اصطلاح سیاسی، هرچند با اندکی تفاوت ، بر هیچ کس پوشیده نیست ، گفتگو بیش از این اطاله وقت است ، همینقدر باید دریافت که دولت – به عکس حکومت – دارای «ثبات» و یا انگونه که هانس جی مورگنتا بر آن بسیار تاکید میکرد «حفظ بقا» است ، به گونهای که با تغییرات در قدرت احزاب یا جابجایی افراد و یا جابجایی حکومتها خدشه ای در ثبات سیاسی دولت وارد نشود ، به این سبب و به یاری Etymology هم میتوان دریافت که ترجمه ی State که با واژگانی همچون, station, stationary, still , statistic statue, statement, status, stand , stay , ریشه مشترک لاتینی به معنای ثابت و پابرجا دارد

ترجمه در غیاب تخصص

اگرچه ما نمیدانیم ترجمه از چه زمانی تبدیل به ابزاری برای اظهار فضل شد ، اما این را میدانیم که کسانی مانند احمد شاملو که جهت پرکردن خلا تحصیلی و دانشگاهی خود کتابهایی را به زبانهای گوناگون اروپایی و حتی آمریکای لاتین و روسی تا عبری و آشوری را به واسطه ی ویرایش ترجمه های پیشین ، به اصطلاح ترجمه نمودند و در اکثر موارد قید نکردند که از چه زبانی به فارسی برگرداندهاند گویی که از زبان اصلی نویسنده ترجمه شده است .

به باور بسیاری از فعالین حوزه ترجمه ، احمد شاملو – مولف فرهنگ کوچه – در ترجمه شازده کوچولو اثر آنتوان دو سنت اگزوپری زبان متن را آنقدر به زبان عوامانه انتقال داده که منجر به برداشت نادرست خوانندگان از این اثر شده در حالی که پیش از او محمدقاضی ترجمه ی بسیار دقیق و کم نقصی (و شاید بی نقصی) را ارائه داده بود .

امروزه نیز بازار مکاره ی کتاب با سیل عظیم و نادر ترجمه روبرو می¬باشد به گونه ای که «صد سال تنهایی» نوشته گابریل گارسیا مارکز با بیش از بیست ترجمه ی مختلف همراه شده است و از همه شگفت آورتر کتاب «مزرعه حیوانات» در سال ۹۴ (فقط در طول یک سال) توسط شش مترجم ترجمه و در مجموع تاکنون بیش از بیست مترجم آنرا ترجمه کردند ظاهرا حجم کم کتاب و کلمات و جملات ساده آن و از طرف دیگر نامدار بودن این اثر در حوزه نشر بین المللی نیروی محرکی بود که مترجمین گوی سبقت را از یکدیگر بربایند تا شاید نامی برای خود دست و پا کنند ، بدین ترتیب ترجمه که مانند تالیف نیازی به پژوهش و کندوکاو در پیچ و خم تاریک و دهشناک نانوشته¬ها نداشت ، راهی ساده برای فروکش کردن غریزه شهرت طلبی شد ، اما این ویروس ساری بیشتر در آثار داستانی و غیرتخصصی دیده میشود چرا که هر کسی را یارای پانهادن در ترجمه های تخصصی نیست و فاجعه است اگر مترجمی به اصطلاحات تخصصی آشنا نباشد بگونه¬ای که حتی تفاوت «دولت» و «حکومت» نداند و نتواند این دو را از یکدیگر تمیز دهد و صرفا به واسطه آشنایی –یا حداکثر– تسلط به زبان اصلی اثر دست بر قلم ترجمه ببرد ؛ البته فراموش نکنیم بسیاری از مترجمین هزینه¬ی نشر را خود به عهده میگیرند و درنتیجه ناشرین ، نمیتوانند از این صرفه اقتصادی چشم پوشی کنند و انگیزه مالی هیزم بر روی این آتش است و بدین ترتیب ناشر نگران رقابت در آشفته بازار نشر نیست ، از سوی دیگر به موارد فوق عدم تبعیت از قوانین مربوط به کپی رایت در ایران و درنتیجه عدم نیاز به صرف هزینه برای مجوزهای لازمه ی داخلی و خارجی را هم باید افزود .

این در حالی ست که ترجمه مجدد یک اثر نیازمند توجیه علمی ، فنی و ادبی است و کمترین انتظار خواننده از ترجمه های مختلفی که پیش روی خود میبیند ، درک شایستگی بیشتر اثر منتشره ، نسبت به ترجمه¬های پیشین ، و همچنین دریافت دقت نظر مترجم اخیر ونیز رسایی و شیوایی ترجمه ی واپسین است و مترجم در ترجمه ی مجدد موظف به پر کردن خلاهای ترجمه های پیشین و یا رفع اشکالات و یا کمک به فهم بیشتر است .

رساله دوم جان لاک همانگونه که در ابتدای این سطور گفته شد پیشتر توسط کسانی مانند محمودصناعی (فقط نه از نوزده فصل) و حمید عضدانلو ترجمه شده بود اما مترجم مورد بحث ما در مقدمه ترجمه اش اگرچه به انگیزهاش اشاراتی داشته ، اما به هیچ براهنی برای ترجمه مجدد رساله دوم جان لاک اشاره نکرده است و توضیح نداده است که ترجمه های قبلی چه کاستیهایی داشته و یا به چه دلیل موافق ذوق و تبع اش نبوده است و حتی در مقدمه توضیح نداده که چرا و چگونه برخلاف دو مترجم قبل از خود ، و نیز برخلاف بسیاری از اساتید حوزه فلسفه و سیاست که همگی « Government » را معادل « حکومت » در نظر میگرفتند ، نام کتاب را که در زبان اصلی "Second treatise of Government" بود به معادل « رساله دوم درباره حکومت » تغییر داده استوی پیش از هرچیز میبایست میاندیشید که مسئولیتی در قبال اثرش دارد ؛ در هر صورت و به هر دلیل و برهانی ترجمه ی مجدد ، باید بتواند مسیحاوار دمی تازه بر پیکره ی اثر فرو ، و زنده کننده ی روح اثر باشد ، در غیر این صورت اگر نفرین درختان برای تک تک برگ کاغذهای سیاه شده را برای مترجم نخرد دستکم میتوان عبث بودن کار مترجم را دید و این عبث بودن را از سوی میزان استقبال خوانندگان میتوان دریافت .

*این نوشتار ، از مقاله مفصلتری که در وب سایت نشریه فرهنگ امروز تحت همین عنوان ،منتشر گردیده است ، به درخواست نشریه الکترونیکی گلشن مهر خلاصه نویسی شده است.

نکته

به درستی گفته اند که انسان تنها موجود زمین است که دست دارد. ما با دست است که خراب می کنیم و آباد می کنیم. زدودن و زایاندن چیزها و انسان ها را به مدد دست انجام می دهیم. دست است که تصرف و تدبیر می کند. اگر منفعل و ضعیف باشیم، دست–خالی خوانده می شویم و نیازمند به دستگیری. اگر محدود و محصور شویم، دستمان کوتاه شده است و دستگیر شده ایم. آن را که ناتوان و رنجور است، دست و پا بسته خوانند و آن را که دستیاری می کند و همکاری، «دست» می خوانند. دست، ظهور اگزیستانس مادر جسمانیت ماست. گویی دست آمده است تا ما باشیم و «بودن» را تجربه کنیم و ساختن را. به همین خاطر است که خدایان هم دست دارند و با دست های خود تقدیر خاکیان را رقم می زنند و تاریخ را چارچوب می بخشند. آن را که به جایی رسد که مجری اراده خداوند شود، «دست خدا» می خوانند و آنجا که مردم برای تحقق اراده ای تجمیع کنند، «دست خدا» با آنها خواهد بود. همچنان که با دست فیزیکی، خود را و نحوه بودن خود را به ظهور در می آوریم و به نوعی آینده خود را می سازیم (یا با خرابکاری می سوزانیم)، گاهی خود «دست» می شویم برای جمعی؛ و اگر چنین شدیم، ظهور آن جمع و بد و خوبش، تا حدی به دست ما خواهد افتاد. کسی که «دست» می شود، سازنده آینده و حیات قوم است و با این «دست بودن»، اهل مراعات می شود و مراقبت از مردمان را در دست می گیرد. همچنان که از دست دادنِ دست، از دست دادن وجه عمده ای از (و برایِ عده ای همه وجوه) سازندگی و مراقبت و بودن است، از دست دادنِ این «دست» استعاری هم، از دست رفتنِ آیندهَ یک قوم یا یَک تاریخ است. چنین «دست»ی اگر از دست رفت، امیدها به ناامیدی و امکانات به محدودیتها تبدیل می شوند. پس تراژدی نه در از دست دادن دستها که در از دست رفتن «دست»هاست. «دستی» که با او، می شد بودن و شدن را تجربه کرد و بی او...؟ ...باید در انتظار ماند.

سید مهدی ناظمی قره باغ

تعریف اصطلاحات دشوار کتاب «هستی و زمان»

۱) فهم:

فهم یک چیز، عبارت است از داشتن مهارت استفاده از آن چیز. دازاین چکش را می فهمد. یعنی بلد است آن را به کار بگیرد. فهم دازاین از اشیا، ماهیت اشیا را می سازد. بسته به اینکه مردم چکش را چگونه به کار می برند، ماهیت چکش تعیین می شود. ماهیت چکش، کارکرد آن برای کوبیدن است. دازاین خود را نیز می فهمد. فهم دازاین از خود، کیستی او را می سازد. بسته به اینکه شخص چگونه و برای چه، خود را به کار بگیرد کیستی او تعیین می شود. برخلاف چکش که بصورت عادی فقط یک کارکرد دارد و به تعبیر هایدگر فقط یک امکان برای بودن دارد و آن کوبنده بودن است، دازاین تعداد زیادی امکان یا توانایی برای بودن در اختیار دارد. این امکان ها به تعبیری همان کارایی های اشخاص است. یک معلم به درد تدریس می خورد و یک نجار به درد ساختن میز و صندلی. همین نجار شاید خوب آواز می خواند. همسر خوبی هم هست اهل نماز و دعا هم هست. مجموعه ی این مهارت ها، کلیه ی امکاناتی را می سازند که او برای بودن در اختیار دارد. دازاین بودن، یعنی همین امکانها بودن. البته امکانات دازاین، بی نهایت نیست. اولا مهارت های هر کسی محدود است و ثانیا هر دوره از تاریخ، گزینه های محدودی برای بودن در اختیار اشخاص می گذارد.

۲) فرا افکنی:

درست است که هرکسی در اساس، همان «امکان ها» ی بودن خود است. اما در عین حال اشخاص معمولا در حال محقق کردن یکی از این امکانات اند. وقتی نجار مفروض به کارگاه می رود، چکش به دست می گیرد و به جان چوب می افتاد، او خود را به سمت تحقق یکی از امکانات خود «پیش می راند». زمانی که از کارگاه برمی گردد و قبل از ملاقات همسر، موهای خود را شانه می زند، در انجام همین عمل، خود را به سمت یکی دیگر از امکانات بودن خود، که همسری مهربان بودن است، «جلو می برد». این پیش راندن ها و جلو بردن ها، فرا افکنی(پروجکت) دازاین هستند. مهم است که توجه کنیم شانه زدن موها به خودی خود، می تواند فرا افکنی به سمت امکانات مختلفی باشد یا اصلا فرا افکنی نباشد. آنچه مهم است، « برای چه» ی این فعالیت است. (در این مثال برای همسر خوبی بودن). بواسطهَ ی فرا افکنی دازاین ایستا و ثابت نیست بلکه دائما در حال «اتفاق افتادن» است.

۳) تفسیر: در تفسیر ما آنچه قبلا فهمیده ایم را به ساختار «به مثابه ی» در می آوریم. یک شی را «به مثابه ی» صندلی و شی دیگر را «به مثابَه ی» دستگیره ی در می فهمیم. به عبارتی فهمیدن، پیشامفهومی است. مفهوم چکش و دستگیره در آن نیست. تنها نیرو هایی هست که کنش های ما را هدایت می کند. مثلا صندلی،گزینه ی نشستن را برای ما باز می کند و ما را به این کار فرا می خواند. بدون اینکه صندلی به مثابه ی صندلی و در قالب مفهوم «صندلی» درک شود. تنها در تفسیر است که فهم، ساختار به مثابه یِ» پیدا می کند و مفهوم مند می شود.

۴) پیش ساختار: چگونه است که فهم عملی پیشا مفهومی، در مقام تفسیر، به معرفتی مفهوم مند تبدیل می شود؟ هَایدگر در پیش ساختار، مجددا فهم را توصیف می کند. اما این بار از جهت اینکه فهم شرط پیشین تفسیر است. و به عبارتی پیش ساختار آن است و از سه مولفه تشکیَل می شود.

۱-۴) پیش داشت:

در مثال نجار، پیش داشت، فهم پس زمینه ای نجار، از کل کارگاه نجاری است. هر ابزار جزئی، مثل چکش، میخ، چوب و... در پرتو پیش داشت، که همان درک کلیت کارگاه، و روابط چیزها در آن است محقق می شود. کسی که کارگاه را از قبل نفهمیده باشد نمی تواند اشیای جزئی آن را بفهمد. برای تقریب به ذهنی شخصی را تصور کنید که هیچ تصوری از کارگاه نجاری ندارد و آنجا را یک آزمایشگاه علمی، یا مکانی برای تولید موسیقی های عجیب تلقی کند. در چنین کانتکسی چکش ممکن است یک آلت عجیب موسیقی به نظر برسد. بنابراین شرط شکل گیری دانش مفهومی (تفسیر) قبل از هرچیز «پیش داشت» لازم است. به تعبیر خودمانی، لازم است شخص توی باغ باشد!

۴-۲) پیش دید:

هایدگر می گوید: پیش دید زمانی اتفاف می افتد که چیزی فهمیده شده اما هنوز گنگ است! یعنی چه؟ منظور او از فهمیدن همان فهم اگزیستنسیال یا مهارت عملی است. منظور او از گنگ بودن هم در همین راستا، یعنی نامتناسب بودن آن چیز برای دست ورزی. مثلا نجار زمانی که غرق در کار است، و بصورت عملی ابزارهای کارش را «می فهمد»، ممکن است یکی از این ابزارها، مثل چکش خوب کار نکند، مثلا سنگین باشد، اینجا هایدگر می گوید: این ابزار اختلالی در فهم ایجاد می کند. در شرایط بدتر ممکن است نجار، کار را متوقف کند و در حالی که تا قبل از این، نسبت به ابزارها توجه آگاهانه نداشت و فقط با آنها کار می کرد، اما به تدریج سنگینی چکش توجه او را جلب کند. همین توجه آگاهانه پیدا کردن به ابزار، بواسطه ی بدکاری آن را هایدگر «پیش دید» می نامد. همین جا می توان نقد بنیادی سنت فلسفی غرب را ملاحظه کرد. درحالی که تفکر غربی بنیادی ترین دانش را «مواجهه ی مستقیم» می داند، حال چه مواجهه ی سوژه با ابژه و چه مواجهه ی روح با مُثل و غیره، هایدگر جایگاه این مواجهه را تنها پس از اختلال در عمل و به منظور تعدیل و از سرگیری مجدد فعالیت عملی، می داند.

۴-۳) پیش مفهوم:

می توان به خوبی دید که به تدریج داریم از دانش چگونگی(مهارت) به دانش گزاره ای نزدیک می شویم. زمانی که یک شی از پس زمینه خارج شود و توجه آگاهانه به یک شی جلب شود، مرحله ی بعد درک مفهومی آن خواهد بود. اما هایدگر باریک اندیشی دیگری در کار می کند: هنگامی که ابزار از پس زمینه خارج شده و در معرض توجه آگاهانه است اما هنوز مفهوم مناسب آن به خاطر نیامده یا هنوز ساخته نشده است، پیش مفهوم وجود دارد. زیرا درست است که مفهوم مشخصی هنوز به شی داده نشده اما (هایدگر می گوید:) «تفسیر» از قبل، در مورد نحوه ی تعیین مفهوم مناسب آن شی، تصمیم گرفته است. یعنی چه؟ می دانیم که تفسیر همان دانش مفهومی است. از طرفی دانش مفهومی منطق خاص خودش را دارد. اسم و فعل و حرف دارد. و هرکدام از اینها باز انواعی دارند و... حتی اگر در تاریکی یک شی نامعلوم به سمت ما بیاید از قبل می دانیم که آن مثلا «سرقت» نیست! بلکه شاید بتواند سارق باشد. به همین نسبت در مثال بیرون پریدن شی از پس زمینه ی کار، هرچند که مفهوم شی هنوز به خاطر نیامده یا اصلا ساخته نشده باشد، اما گرامر بنیادی زبان، شکل کلی مفهومی که مناسب آن شی است را از قبل تعیین کرده است. این صورت کلی مفهومی، که علی الاصول می تواند در کار باشد، «پیش مفهوم» است.

اینها چندتا از مفاهیم سخت کتاب هستی و زمان بود که به روشنی تعریف شد. به قول برتراند راسل، اگر انسان چیزی را خوب فهمیده باشد، می تواند آن را به روشنی توضیح دهد. اینکه کتابی در ایران نوشته نشده که مفاهیم را ساده تعریف کند و مدرسی (احتمالا) بنوده که روشن توضیح دهد، همه اش تقصیر هایدگر نیست. طبیعی است که یک متفکر بزرگ در تولید اندیشه هایی که از اساس نو و بی سابقه اند، نتواند کاملا شفاف و روشن باشد. هایدگر سالها بعد از انتشار کتاب گفته بود که تازه دارم آن را خوب می فهمم.

مسعود افشار